
موانع امید و راهکارهای مقابله با ناامیدی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

محترم قوی^۱ (نویسنده مسئول)
فاطمه بغدادی^۲

چکیده

رهبرانقلاب در بیانیه گام دوم مقابله با ناامیدی را نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد برشمردند که بدون آن هیچ گامی نمی‌توان برداشت این پژوهش با مراجعه به آیات، روایات، منابع تاریخ اسلام و بیانات رهبری انقلاب و از نظر تحلیل محتوا به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موانع امید و راهکارهای مقابله با آن میپردازد. موانع بر اساس منشا بروز آنها به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم شده‌اند، موانع درونی با توجه به ساحت‌های وجودی انسان شامل موانع بینشی، موانع گرایشی، موانع رفتاری و موانع بیرونی هم در سه دسته موانع فرهنگی، موانع اقتصادی و موانع سیاسی بررسی شده‌اند. راهکارهای مقابله نیز متناسب با موانع در سه حوزه بینشی، گرایشی و رفتاری ارائه شده‌اند.

۱. دانش پژوه سطح ۴ جامعه الزهراء ۱۳۵۹mrsghavi@gmail.com

۲. طلبة سطح سه رشته تعلیم و تربیت جامعه الزهراء ع

کلید واژه: امید، موانع امید، راهکارهای مقابله با ناامیدی، بیانیه گام دوم.

مقدمه

با وجود گسترش امکانات رفاهی شاهد نوعی ناامیدی و افسردگی در جوامع هستیم، گواه این مطلب افزایش روز افزون مصرف قرص‌های روان گردان، مواد مخدر و مصرف الکل است. این شرایط گویای این واقعیت است که پیشرفت‌های مادی تأمین‌کننده نیازهای روحی و روانی انسان‌ها نیستند به همین دلیل در یکی دو دهه اخیر روانشناسان به طور جدی به بررسی نقش امید در درمان بیماری‌ها پرداخته‌اند که حاصل آن پیدایش نظریه امید بوده است.

در حوزه علوم اسلامی هم از دیرباز امید، موضوع مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده است اسلام عزیز امید داشتن به خداوند متعال را رمز موفقیت و پویایی و راه رسیدن به یک جامعه آرمانی می‌داند. بسیاری امید را یکی از پایه‌های تمدن نوین اسلامی می‌دانند. امید اساس تمام تلاش‌های انسان است و ناامیدی منشاء بسیاری از فسادها و تبه‌کاری‌هاست که حتی ممکن است منجر به شقاوت ابدی او شود. اگر امید نبود انسان دست به هیچ کاری نمی‌زد و دچار ایستایی و افسردگی می‌شد. در حدیث نبوی آمده است: «إِنَّمَا الْأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ أُمَّمٌ وَلَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا؛ امید و آرزو رحمت برای امت من است و اگر امید و آرزو نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت.» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۵ / ۸)

رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم به ترسیم نقشه راه پرداخته و از مقابله با ناامیدی به نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد یاد کرده‌اند. به تعبیر ایشان «ناامیدی سمی است که اگر بنا بود در مقابل مشکلات ناامید بشویم، آن نسل‌های قبل هم حرکتشان متوقف میشد و ما امروز باز در همان دوران طاغوت و انجماد و عقب‌ماندگی وابستگی و فساد بودیم.» (۱۶/۰۵/۱۳۹۸) بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیادهای علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان) ایشان ناامیدی را عامل مهم نابودی ملتها معرفی می‌کند: «ناامیدی درد بزرگی است و برای نابود کردن یک ملت، از همه وسایل مؤثرتر، ناامید کردن آن ملت است. ملتی را ناامید

کنید، نابود می‌شود. وقتی امید نبود، حرکت و نشاط نیست. وقتی حرکت و نشاط نبود، آینده نیست (۱۹/۰۴/۱۳۸۳ بیانات در دیدار جمعی از مسئولان و نخبگان استان همدان) پژوهش حاضر در راستای رسالتی که رهبر فرزانه انقلاب بر دوش جوانان نهاده و می‌فرماید که: «شما جوانان در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید» (۲۲/۱۱/۹۷) به دنبال شناسایی موانع امید و راهکارهای مقابله با آنهاست که در آن هم به موانع درونی امید که فرد با آنها مواجه می‌شود و هم موانع بیرونی که از ناحیه دشمنان بر فرد هجوم می‌آوردند توجه دارد.

موانع درونی با توجه به ساحت‌های وجودی انسان شامل موانع بینشی، موانع گرایشی و موانع رفتاری و موانع بیرونی هم در سه دسته موانع فرهنگی، موانع اقتصادی و موانع سیاسی دسته‌بندی شده‌اند و سپس راه کارهای مقابله بیان شده است.

پیشینه

- پژوهش‌هایی در رابطه با امید و ناامیدی انجام شده است از جمله این پژوهش‌ها:
۱. مفهوم «امید از منظر قرآن کریم» نوشته فاطمه زارع بیدکی (۱۳۹۵) ایشان در فصل دوم به عوامل و موانع ایجادکننده امید پرداخته است.
 ۲. «امید در نهج‌البلاغه»، نوشته علی اکبر دهقانی (۱۳۹۰). در این پژوهش ابتدا به علل امیدواری پرداخته شده و سپس موانع امیدواری بیان شده است.
 ۳. «عوامل ناامیدی و راهبردهای انگیزشی نهج‌البلاغه و درمان آن‌ها» مرتضی قائمی ۱۳۹۲.
 ۴. «دشمنان امید (مروری بر برنامه‌های دشمن برای ایجاد ناامیدی با محوریت بیانات مقام معظم رهبری)» اسماعیل باوند ۱۳۹۰.
- نکته قابل ذکر آن است که این موضوع به نحو مستقل بررسی نشده است و عمدتاً آثار موجود در حد یک فصل و یا کمتر به آن پرداخته‌اند همچنین تنظیم ساختار مقاله در سه حوزه بینشی و گرایشی و رفتاری وجه تمایز اثر حاضر با آثار موجود در این مسئله است

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. امید

امید به معنای آرزو، رجاء، انتظار، اعتماد و استواری است. (معین، ۱۳۷۴: ۱/۳۱۱) در عربی امید به معنای رجاء است که نقیض یأس می‌باشد. (فراهیدی، ۱۹۲۱: ۶/۱۷۶) در اصطلاح علم اخلاق امید به راحتی و لذتی که از انتظار تحقق امری محب وب در قلب حاصل می‌شود می‌گویند. (فیض کاشانی، ۱۴۲۱: ۷/۲۸۷)

۲. موانع امید

این موانع به دو دسته موانع درونی و بیرونی قابل تقسیم هستند. ملاک این تقسیم آن است که ریشه ناامیدی به درون انسان بازگردد یا به محیط پیرامون.

۲.۱. موانع درونی

با توجه به ساحت‌های وجودی انسان، موانع درونی در سه دسته موانع بینشی، موانع گرایشی و موانع رفتاری قابل تقسیم هستند.

۱.۱-۲. موانع درونی بینشی

الف) عدم شناخت صحیح اوصاف الهی

خداوند تنها خالق مستقل و اصیل است و هر گونه تأثیر و تأثری در نظام خلقت به صورت تبعی و به اذن خداوند سبحان صورت می‌پذیرد. صدرالمتألهین در تفسیر این نوع توحید فرموده‌اند: «تنها مؤثر در وجود واجب الوجود است و هر نوع فیضی از جانب اوست و واسطه‌ها در ایجاد فقط نقش اعدادی دارند.» (ملاصدری، ۱۳۶۶: ۲/۲۱۷)

علامه طباطبائی در تعریف توحید مالکی می‌فرماید: «جهان آفرینش هر چه هست و هر کمالی که فرض شود ملک خدای آفریدگار است از جزئی تا کلی عطیه و بخشش اوست

بدون این که موجودی از راه استحقاق حقی به عهده خدا داشته باشد که او را ناگزیر به عطیه و بخشش بنماید و هر حقی که فرض شود جاعل و ملک حقیقی آن خداست انسانی که نگاهی این چنینی به مراتب توحید داشته باشد تدبیر امور خود را در عرصه تکوین و تشریح به او می سپارد و به بیان دیگر از اسباب ظاهر چشم خود بسته و فقط خداوند متعال را یگانه مؤثر در جهان می دانند و به او توکل می کنند. این جاست که با شناخت صحیح خداوند متعال و درک مراتب توحید او می توان با این موانع مبارزه کرد و بر ناامیدی غلبه کرد.» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲ / ۱۹۸)

ب) ضعف جهان بینی

امید و ناامیدی تا حد بسیار زیادی تابع نگرش انسان ها و نوع جهان بینی آنهاست. انسانی که به پدیده های هستی نگاه توحیدی دارد و می داند که دارای هدفی حکیمانه هستند. همواره خدای سبحان را به عنوان عالی ترین موجود این نظام هستی که همه کمالات را به صورت بی نهایت داراست حاضر و ناظر می بیند و در تاریک ترین لحظات زندگی هم احساس تنهایی نمی کند. و می داند که تمامی اتفاقات و حوادث خواست خدای متعال می باشد که منشاء تمام حوادث است و از طرفی هم باید شناخت صحیح از اتفاقات و حوادث دنیا داشته باشد باید بداند دنیا دنیای بیماری ها شادی ها، خوبی ها و ناراحتی هاست و همه آنها هم طبیعی هستند. عدم شناخت این خصوصیات عالم دنیا انسان را به رنج و ناامیدی وارد می کند. معصومین علیهم السلام با بیانهای مختلف در صدد اصلاح این نگرش افراد نسبت به حقیقت دنیا بوده اند تا کسی که حقیقت دنیا را بپذیرد دچار یأس و ناامیدی نمیشود چرا که می داند دنیا جای راحتی نیست دنیا آمیخته با رنج و سختی است. (شریف رضی، ۱۳۸۷: نامه ۵۹)

ج) هدف گذاری نادرست و فراموشی اهداف صحیح

در بسیاری از موارد وقتی هدف گذاری صحیسی برای حرکت فردی و اجتماعی نداشته

باشیم به محض برخورد به اولین مانع و چالش دچار یأس و ناامیدی و پوچی میشویم اما وقتی سلسله اهداف و آرمانها را لحاظ کنیم در مییابیم که فداکاری در راه آنها چقدر مقدس و امید آفرین است

رهایی از سلطه اجانب یکی از ابتدائیترین نیازهای یک جامعه است. و یکی از ارکان انقلاب اسلامی ایران است. مقام معظم رهبری می فرمایند: «ابتدای حرکت با انقلاب اسلامی آغاز شد و افق رو به روی آن ایجاد تمدن اسلامی است که با انگیزه و تلاش باید به سوی آن حرکت کرد. ما یک انقلاب اسلامی داشتیم بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است. مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است مرحله بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار دادیم انسان وقتی با این اهداف بزرگ و متعالی رو به رو می شود مشکلات و مسائل برایش پیش پا افتاده می شود. نگاه انسان وسیع می شود و دایره تفکرش رشد می کند و امید در دل او زنده می شود و بحرانش را با تواناییهای بیشتری پشت سر قرار می دهد.» اما فراموشی این اهداف و دستاوردها باعث ناامیدی می شود و به تعبیر رهبری معظم انقلاب: «امیدها که بر اثر انقلابها میشکند، بر اثر ارتجاعها افسرده می شود.» (۳/۱۳۹۰/۰۳/۰۳ بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام))

۱.۲-۲. موانع درونی گرایشی

الف) داشتن آرزوهای واهی

آدمی باید فرق آرزوهای واهی و دراز را با آرزوهای عقلانی و دست یافتنی بداند و عمر خود را صرف خیالاتی نکند که هیچ وقت بدانها نخواهد رسید. معمولاً انسان در اثر نادانی چیزهایی را طلب می کند که باعث پایین آمدن درجات ایمان او می شود و باعث آلودگی اخلاقی و عملی می شود و چه بسا حتی عمر او به سرآید بدون آنکه به آنها دست یابد حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «**فِي غُرُورِ الْأَمَالِ انْقِضَاءُ الْأَجَلِ**؛ در فریب آرزوها عمرها به پایان

میرسد.» (آمدی، ۱۴۱۰: ح ۶۳۵۶).

در کلام دیگری منسوب به آن حضرت آمده است: «إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهُ خَضِيرَةٌ تَفْتِنُ النَّاسَ بِالشَّهَوَاتِ وَ تَزِينُ لَهُمْ بِهَا مَلَهَا وَ أَيْمَ اللّٰهِ أَنَّمَا لَتَتَّعَمَّنَ أَمَلَهَا وَ تَخْلَفُ مِنْ رَجَاهَا؛ دنیا شیرین و سبز است، مردم را باخواسته‌های نفسانی می‌فریبد و زندگی این جهانی را در چشم آنان زیبا می‌نماید به خدا سوگند که دنیا آرزومندان خود را گول می‌زند و امیدوارانش را مایوس می‌کند.» (کلینی، ۱۳۸۲: ۲/۲۸۹)

ب) غفلت و فراموشی نعمت‌ها

خداوند متعال در آیات بسیاری به بیان نعمت‌ها و شکرگزاری نسبت به آن‌ها پرداخته است تا حس شکرگزاری را در انسان‌ها بیدار کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»؛ ای اهل ایمان روزی حلال و پاکیزه‌ای که نصیب شما کرده‌ایم بخورید و شکر خدا را به جای آورید و تنها سپاس او را گوید اگر شما خالق خود را می‌پرستید.» (بقره/۱۷۲)

یکی از راههای زنده کردن نور امید در دلها همین یادآوری نعمتهای الهی است. ولی غفلت باعث ندیده شدن هر روزه این نعمت‌ها می‌شود مخصوصاً اگر این نعمت‌ها از ضروریات زندگی انسان‌ها باشند که اگر روزی از انسان‌ها گرفته شوند، تازه آن روز به نعمت بودن آن‌ها متذکر خواهیم شد.

۱.۳-۲. موانع درونی رفتاری

الف) کسالت

در قرآن و در روایات اسلامی بسیار به این موضوع پرداخته شده است در قرآن می‌خوانیم «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ»؛ ای پیامبر هنگامی که از کاری فارغ شدی به کار دیگری پرداز» (انشراح/۷۹) هدف از این دستور آن است که انسان را از استراحت مطلق بعد از یک کار

مهم باز دارد جدا که بیکاری و فراغت، مایه خستگی و کم شدن نشاط و فراهم آمدن زمینه فساد و انواع گناهان می شود.

امام موسی بن جعفر علیه السلام در روایتی می فرمایند: «إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الصَّجَرَ فَإِنَّكَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تَعْمَلْ وَ إِنْ صَجِرْتَ لَمْ تُعْطِ الْحَقَّ؛ از بی حوصلگی و سستی بپرهیز زیرا اگر بی حوصلگی کنی دنبال کار نمیروی و اگر سستی کنی حق را ادا نمی کنی (کلینی، ۱۳۸۲: ۵/ ۸۴)

به فرموده رهبر انقلاب: «علاج همه دردهای یک ملت، تلاش و کار است؛ کارِ متکی به... امید، علاج همه دردهای یک ملت است. ملت بی کار، ملت تنبل، ملت کسل، ملت ناامید و ملتی که بگوید: «ای آقا! از دست ما چه کاری برمی آید، آن ها هر کار که بخواهند، می توانند بکنند، چنین ملتی به جایی نخواهد رسید. آنچه ما به دست آورده ایم، به خاطر این بوده است که ملت ما در این مدت، این روحیات را - که در طول دهها سال سعی کرده بودند در او تزریق کنند - بکلی دور ریخت. ملت ما ملتی است باامید» (۱۳۸۵/ ۱۷/ ۰۸ بیانات در دیدار مردم استان سمنان)

ب) اعتماد کردن به دشمنان

اعتماد نکردن به دشمن یک دستور قرآنی و دینی است «ولا تتركوا الى الذين ظلموا؛ هرگز بر ظالمان تکیه نکنید» (هود/ ۱۱۳) علتها و حکمتهای بی شماری می توان برای این دستور حکیمانه بیان کرد که یکی از مهم ترین آن ها به مسئله «امید» گره خورده است.

در منطق اسلام یکی از پیامدهای اعتماد به دشمن، افتادن به ورطه یأس و ناامیدی است. علت این مسئله هم واضح است چرا که هویت ذاتی دشمن، انتخاب-ها و رفتارهایی است که بیشترین آسیب و ضربه را به جریان حق بزند. امیرالمؤمنین می فرمایند: «جماع الغرور فی الاستنانه الی العدو؛ اعتماد کردن به دشمن عامل فریب خوردن از اوست.» (آمدی، ۱۴۱۰: ح ۴۷۷۵)

تکیه و اعتماد به دشمن نتیجه ای جز بدبختی نخواهد داشت و تمام آن تصورات و انگیزه هایی که باعث رفتن به سوی دشمن شد جز سرابی و توهمی بیش نیست. وسوسه

دشمن طوری است که گمان کنیم با دراز کردن دست اتحاد و همدلی با او به بخشی از اهداف و نیازهایمان خواهیم رسید اما در بسیاری از مواقع همین نزدیک شدن به دشمن عامل اصلی یأس و ناامیدی از تحقق وعده است. هویت دشمن آن است که وعده دهد و بر خلاف آن عمل کند تا در دستگاه محاسبه ما بتواند رخنه کند از همین روست که قرآن همواره تأکید بر عدم دوستی و اعتماد با دشمن حق دارد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید» (ممتحنه/۱)

رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر این تأکید کرده‌اند و به‌طور مکرر نتیجه اعتماد به دشمن را ناامیدی و عدم تحقق نیازها و وعده‌ها عنوان فرموده‌اند و حتی معنای اجتماعی «تقوا» را هم در همین زمینه تحلیل کرده‌اند «به دشمن اعتماد نکنید! تقوا به این معناست» (بیانات در ۹۷/۴/۹)

۲.۲. موانع بیرونی

این اقدامات توسط دشمنان بر پایه جایگزین کردن یأس به جای امید از طریق عملیات روانی صورت می‌گیرند و عبارتند از:

۲.۱-۲. موانع فرهنگی

الف) ضعف در نظام خانواده

ارجمندترین نهاد جامعه، نهاد خانواده است، همچنین لطیف‌ترین رابطه‌ها، رابطه اعضای خانواده و گران‌بارترین ثمره‌ها ثمره نهال خانواده است. اساس نظام خانواده باید درست بنا شود. جامعه تابع خانواده است زیرا جامعه از خانواده‌ها تشکیل شده است از این رو حیات و فرجام جامعه بسته به حیات و فرجام خانواده دارد.. بی‌تردید وضعیت خانواده و تنش‌های حاکم بر آن نیز در ایجاد ناامیدی در فرد تأثیرگذار

هستند. خانواده نابهنجار دارای مشخصاتی است که قادر به تأمین نیازهای تکاملی و حل مشکلات و تعارضهای خود نبوده و کارکردهایش مختل می‌شود. همدلی بین اعضا دیده نمی‌شود. احساساتی مانند: ترس، ناامنی، غمگینی در این خانواده-ها دیده می‌شود. به‌عنوان مثال رهبر انقلاب تأثیر مسئله حجاب در فروپاشی خانواده-ها این چنین پرداخته‌اند:

«احتیاج زن، حجاب قرار دادن زن برای خود، تکریم زن است. احترام زن است. ایجاد حریم برای زن است، این حریم را شکستند و دارند روز به روز هم بیشتر می‌شکنند اسمهای گوناگون هم رویش گذاشتند و می‌گذارند. اولین و شاید یکی از اولین آثار سوئی که این مسئله گذاشت ویران کردن خانواده بود. بنیان خانواده سست شد وقتی در یک جامعه‌ای خانواده متزلزل شد و از بین رفت مفسد در آن جامعه نهادینه می‌شود». (بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور ۹۱/۲/۱۳)

ب) نبود سیستم آموزشی کارآمد

پس از خانواده مهم‌ترین محیط مؤثر در رشد امید در کودک را محیط آموزشی تشکیل می‌دهد. هر قدر محیط مدرسه و سیستم آموزش موفق و از نظر فرهنگی غنیتر باشد امکان دستیابی سریع دانش‌آموزان به موفقیت بیشتر می‌شود و در نتیجه آن امید افزایش می‌یابد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اگر انسان بخواهد کارهای کشور را، این بخشها و قسمت‌های گوناگون کشور را تقسیم‌بندی کند بالابالاها آموزش و پرورش قرار می‌گیرد.» (بیانات در دیدار معلمان سراسر کشور ۸۵/۲/۱۲). همچنین در جایی دیگر فرموده‌اند: «ما اگر مشکلاتی در زمینه‌های اخلاقی و رفتاری، علمی، اعتماد به نفس ملی و عمومی و در زمینه‌های گوناگون دیگر داریم در ریشه‌یابی این‌ها به آموزش و پرورش می‌رسیم.» (بیانات در دیدار مردم استان ایلام، ۹۳/۲/۲۳)

رهبر معظم انقلاب به‌عنوان راهکار این مسئله می‌فرمایند: «برای تحول در نظام آموزش و پرورش باید سنتها و نیازهای کشور را اصل قرار دهیم و از تجربیات دیگران حداکثر

استفاده را ببریم. اما از الگو برداری و تقلید از کشورهای غربی کاملاً پرهیزیم. لوح آماده ذهن کودک فقط با آموزش ساخته نمیشود. بلکه پرورش لازم دارد. حال که اهمیت آموزش و پرورش بر ایمان مشخص شد می‌توان به راحتی پذیرفت که نبود موفقیت در این نظام آموزشی چه ضررهای غیرقابل جبرانی بر جای خواهد گذاشت و چقدر افراد جامعه را به سوی ناامیدی سوق خواهد داد. (دیدار جمعی از پرستاران و معلمان و کارگران، ۸۸/۲/۹)

۲.۲- فشار اقتصادی

اقدام عملی دیگر دشمنان که بسیار رایج هم هست ایجاد فشار اقتصادی است. آنان به این طریق زندگی و مبارزه را برای مؤمنین مشکل می‌کنند تا آن‌ها از ادامه مسیر ناامید گردند بدیهی است که فقر و بیکاری سهم عمده‌ای در ناامیدی افراد دارند، افرادی که در وضعیت حداقلی مالی قرار دارند سطح امیدواری کمتری دارند امام علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «هر کس فقیر شود ناامید و سست می‌شود».

چند سال از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله که گذشت کم‌کم قریش متوجه شدند افراد بزرگی مانند حمزه بن عبدالمطلب بدین پیغمبر اسلام درآمد و گروهی از مسلمانان نیز به حبشه رفته و در پناه پادشاه حبشه در کمال آسایش و امنیت بسر می‌برند و در میان قبائل عرب نیز کم و بیش اسلام پیروانی پیدا کرده است. برای جلوگیری از ادامه کار و تبلیغات پیغمبر اسلام تعهد نامه‌ای نوشتند که از آن پس نه از مسلمانان چیزی بخردند و نه به مسلمانان چیزی بفروشتند و همگی در مقابله با محمد صلی الله علیه و آله و یارانش متحد باشند این تصمیم عملی شد بنی هاشم و فرزندان مطلب به جز ابو لهب همگی به دره‌ای که منسوب به ابوطالب بود و به شعب ابوطالب معروف شده بود رفتند و بالجمله دو سال یا سه سال بر این منوال گذشت، در این مدت قریش دیده‌بانانی گماشته بودند تا کسی به نزد ایشان نرود و آذوقه و خوراکی به ایشان نرساند

طبق بیان قرآن کریم: ﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾. آنان همان کسانی هستند که می‌گویند: بر

کسانی که نزد رسول خدا هستند، انفاق نکنید تا پراکنده شوند؛ درحالی که خزانه‌های آسمان‌ها و زمین برای خداوند است ولی منافقان نمی‌فهمند» (منافقون/۷) زیرا افراد مادی تحلیل مادی دارند و فکر می‌کنند مردم برای دنیا دور پیامبر جمع شده‌اند، لذا می‌گویند: کمک نکنید تا پراکنده شوند

امروزه هم ابرقدرت‌ها برای به تسلیم کشاندن کشورها از فشار محاصره اقتصادی استفاده می‌کنند. نداشتن یک امنیت اقتصادی در محیط جامعه می‌تواند یکی از موانع بیرونی امید محسوب شود و بهداشت روانی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. پخش شدن شایعات و حتی واقعیات هر روزه از تریبونهای مختلف و تزریق کردن احساس ناامنی و اضطراب در بازار در مواردی همچون نرخ ارز و خشکسالیهای احتمالی و... نتیجه‌ای جز اضطراب و نگرانی و ناامیدی نخواهد داشت.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «از جمله چیزهایی که مردم را به بهشت نزدیک می‌کند بهبود معیشت مردم است «كَادَ الْفَقْرُ يَكُونُ كُفْرًا؛ نزدیک است که فقر به کفر بینجامد» (کلینی، ۲۱۳۸۲: ۳۰۷ / جامعه‌ای که در آن فقر باشد بیکاری باشد مشکلات معیشتی غیرقابل حل وجود داشته باشد، اختلاف طبقاتی باشد، تبعیض باشد شکاف طبقاتی باشد آرامش پیدا نمی‌کنند» (بیانات در دیدار مردم استان ایلام، ۹۳/۲/۲۳)

۲.۳-۲. موانع سیاسی

الف) سیاه‌نمایی و بحرانی جلوه دادن اوضاع

منظور از سیاه‌نمایی عبارت است از عملیات روانی برای بدتر جلوه دادن وضع حقیقی موجود. این اقدامات در زمان پیامبر ﷺ نیز انجام میشد، برخی از آن‌ها که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از:

قرآن کریم بیان می‌کند زمانی که بعد از جنگ احد مسلمانان به تعقیب دشمن پرداختند منافقین میگفتند چگونه خدا به ما وعده پیروزی داد درحالیکه هیچ قدرتی نداریم

و در حال کشته شدن هستیم؟ این سخن آنان درحالی است که جنگ تمام شده بود و سپاه مهاجم مکه عقب نشسته بود. ﴿ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنْكُمْ وَ طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ﴾؛ سپس به دنبال این غم و اندوه آرامشی بر شما فرستاد، این آرامش به صورت خواب سبکی بود که در شب بعد از حادثه احد جمعی از شما را فرا گرفت اما جمع دیگری در فکر جان خویش بودند و خواب چشمان آن‌ها را فرا نگرفت. آن‌ها گمان‌های نادرستی درباره خدا همچون گمانهای دوران جاهلیت داشتند و می‌گفتند: آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می‌شود؟ بگو همه کارها و پیروزیها به دست خداست آن‌ها در دل خود اموری را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند.» (آل عمران/ ۱۵۴)

همچنین هنگامی که جنگ احزاب طولانی شد و محاصره اصحاب رسول الله ﷺ تنگ‌تر شد منافقین سخنانی را به زبان آوردند که خداوند در قرآن ذکر نموده است: ﴿وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾. و [نیز به خاطر آورید] زمانی را که منافقان می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز وعده‌های دروغین به ما نداده‌اند.» (احزاب/ ۱۲) رسول خدا ﷺ پیش از این به اصحاب خود گفته بود که احزاب عرب با یکدیگر متحد می‌شوند و به ما حمله می‌کنند و یهود نیرنگ می‌ورزند، آنان تلاش زیادی می‌کنند ولی سرانجام و عاقبت امر، به نفع ما و به ضرر آن‌ها است. چون قریش برای جنگ آمدند و یهود، نیرنگ ورزیدند، منافقان گفتند: ﴿مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾؛ وعده خدا و رسولش، فریبی بیش نبوده است، بیایید بگریزیم و به اعراب بادیه‌نشین پناهنده شویم» (قمی، ۱۸۶/۲). منافقان می‌گفتند: «محمد به ما وعده می‌دهد که مدائن کسری و قیصر را فتح می‌نماید درحالی‌که ما برای قضاء حاجت امنیت نداریم. به خدا قسم این وعده‌های فریبنده است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۲/۲)

در شأن نزول سوره کوثر می‌خوانیم: «عاص بن وائل» که از سران مشرکان بود وقتی «عبدالله» پسر پیامبر اکرم ﷺ از دنیا رفت حضرت را «ابتر» (یعنی بلاعقب) خواند عرب طبق

سنت خود، برای فرزند پسر اهمیت فوق العاده‌ای قائل بودند و او را تداوم بخش برنامه‌های پدر می‌شمردند، بعد از این ماجرا، آن‌ها فکر می‌کردند با رحلت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برنامه‌های او به خاطر نداشتن فرزند ذکور، تعطیل خواهد شد لذا به مسلمین طعنه می‌زدند و آنان را دلسرد و مایوس می‌کردند. خداوند در سوره کوثر به آن‌ها پاسخ گفت و خبر داد که دشمنان او ابرتر خواهند بود و برنامه اسلام و قرآن هرگز قطع نخواهد شد.

به فرموده مقام معظم رهبری: «گاهی روی یک مشکل خاص که چندان هم مهم نیست مدام تکیه می‌کنیم، مدام تکرار می‌کنیم، مدام می‌گوییم، مدام مرثیه‌خوانی می‌کنیم، امید در دل جوان فرو می‌نشیند و کم فروغ می‌شود» (۱۷/۰۷/۱۳۹۸) بیانات در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی) سم مهلکی است سیاه‌نمائی و ناامیدسازی و آینده را تاریک نشان دادن؛ و این سم مهلک به وسیله تبلیغات معارض و خصمانه، سعی می‌شود در کشور پراکنده شود؛ با این مبارزه کنید. همه نشانه‌ها مژده امید به ما می‌دهند؛ مژده پیشرفت می‌دهند؛ در همه بخشها. و امیدواریم که ان شاء الله این مژده‌ها در کمتر از یک نسل، تحقق پیدا کند (بیانات در دیدار نخبگان و فرهیختگان استان فارس ۱۷/۲/۱۳۹۸)

ب) ایجاد ترس

یکی دیگر از اقدامات دشمنان این است که با القای ترس به شیوه‌های گوناگون، سعی در ناامیدی مؤمنین نموده تا آن‌ها را از ادامه راه باز دارند و در این راه منافقین و سست ایمانهای داخلی نیز با آن‌ها همدستی می‌کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾. اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و آنان که در مدینه شایعه‌پراکنی می‌کنند (از کارشان) دست بردارند، حتماً تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، آن‌گاه جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند» (احزاب/۶۰)

«مرجفون» از «ارجاف» به کسانی گفته می‌شود که با شایعه‌سازی در جامعه اسلامی دلهره ایجاد می‌کنند. قضیه از این قرار است که گروهی از منافقین در مدینه بودند و انواع

شایعات را پیرامون پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگامی که به بعضی از غزوات می‌رفت در میان مردم منتشر می‌ساختند، گاه می‌گفتند: پیامبر کشته شده، و گاه می‌گفتند: اسیر شده، مسلمانانی که توانایی جنگ را نداشتند و در مدینه مانده بودند سخت ناراحت می‌شدند و شکایت نزد پیامبر ﷺ آوردند. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳/۶۳۱) رهبر معظم انقلاب با استناد به آیه شریفه فوق می‌فرماید که در قران کریم ترساندن مردم، ناامید کردن مردم و بی‌اطمینان کردن آن‌ها مذمت شده است (۲۵/۰۶/۱۳۸۹) بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری)

در قران کریم می‌خوانیم: ﴿وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾. و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! (در صحنه جنگ) برای شما جای ماندن نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می‌خواستند (و) می‌گفتند: همانا خانه‌های ما بی‌حفاظ است. درحالی که بی‌حفاظ نبود و آنان جز فرار (از جنگ) قصد دیگری نداشتند». (احزاب/۱۳)

در جنگ احزاب گروهی از منافقان با شایعه‌پراکنی و ایجاد ترس گروهی با فرار از جبهه در صدد تضعیف روحیه مؤمنان بودند. (قرائتی، بی‌تا: ۳۳۷/۷) این افراد از عظمت و قدرت حریف صحبت میکردند و سعی میکردند دلهای مؤمنین را متزلزل کنند و آن‌ها را بترسانند و همانطور که در سوره مبارکه نساء نیز آمده اینها بیشتر از خدا از مشرکان مکه میترسیدند. کلمه «حَشِيَّة» که در این آیه آمده به ترسی گفته می‌شود که برخاسته از عظمت و بزرگ دانستن طرف مقابل باشد. «چون جهاد بر آنان مقرر شد، گروهی از آنان چنان می‌ترسیدند که گویا از خدا می‌ترسند، بلکه بیش از خدا (از کفار می‌ترسیدند) و (از روی اعتراض) گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟» (نساء/۷۷)

در داستان حضرت موسی نیز می‌خوانیم هنگامی که موسی ﷺ و یارانش درحالی که فرعونیان در تعقیب آن‌ها بودند به دریا رسیدند افراد ضعیف الایمان قومش گفتند: «إِنَّا

لَمُدْرِكُون؛ آنان به ما دست خواهند یافت» (شعراء/۶۱)

ج) ایجاد باور به لزوم حاکمیت ظلم

یکی از بهترین و کم هزینه‌ترین روشهای القای ناامیدی توسط دشمنان این است که این باور را در مظلومان ایجاد کنند که وجود حکومت ظلم ضرورت دارد. در این صورت هم نسبت به قیام و اعتراض مردم مصونیت خواهند داشت و هم خود مردم برای بقای حاکمیت ظلم تلاش خواهند کرد و اهداف دشمنان محقق خواهد شد.

اطاعت در نظام فاسد بر اساس تحقیر مردم است و خود باختگی و تهی شدن از هویت سبب تسلیم شدن در برابر طاغوت‌ها است (قرائتی، بی تا: ۸/۴۴۴). اگر بتوان در کسی این احساس را برانگیخت که احساس کند از دیگران پست تر است، می‌توان بر او تسلط روانی پیدا کرد. در طول تاریخ مستکبران پیوسته بدین شیوه عمل کرده و بر مردم حاکم شده‌اند. فرعون از جمله مستکبرانی است که از این شیوه برای حاکم شدن بر اراده مردم استفاده نمود: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ». پس قوم خود را سبک مغز یافت [و آن‌ها را فریفت] و اطاعتش کردند چراکه آن‌ها مردمی منحرف بودند» (زخرف/۵۴)

فرعون می‌خواست تمام مردم مطیع او باشند و از ثروت آن‌ها استفاده کند و اصلاً او را بپرستند و در مقابل او به خاک بیافتند. از این رو گفت: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى». من پروردگار بزرگ شما هستم» (نازعات/۲۴) او نقشه‌ای کشید تا بتواند همه مردم را تحت فرمان خود درآورد. جمعیت مصر در آن زمان چند میلیون نفر بود که از میان آن‌ها، جمعیت بنی‌اسرائیل به بیش از یک میلیون نفر رسیده بود و بر این اساس، اولین نکته‌ای که به ذهن فرعون رسید این بود که اگر همه این مردم بر علیه من متحد شوند من هیچ‌کاری نمی‌توانم بکنم؛ پس باید تدبیری بیاندیشم. اولین اصلی که مورد توجه فرعون قرار گرفت این بود که مردم را گروه‌گروه کند و به جان هم بیندازد زیرا تنها چیزی که می‌تواند او را از شر انقلاب و کودتای مردم حفظ کند همین امر بود. در این باره قرآن در آیه دیگری می‌فرماید: «عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا. میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند» (قصص/۴). یکی از بهترین راه‌های

ایجاد اختلاف، تکیه بر اختلافات قومی و نژادی است. یک راه دیگر، دامن زدن به اختلافات مذهبی است که این نوع اختلاف به راحتی می تواند مردم را به جان هم بیندازد. راه دیگر، ایجاد اختلافات طبقاتی از لحاظ ثروت و مکتب و قدرت کار و قدرت علمی است. اینها عواملی است که می شود از آنها برای ایجاد شکاف و تفرقه میان توده های مردم بهره برداری کرد و فرعون از همه ابزارها استفاده کرد که مردم را دسته دسته کند.

(<http://www.qudsonline.ir/news/475456>)

فرعون در تبلیغات خود، مخالفان را گروه کوچکی معرفی می کرد. اما در تفاسیر از ابن عباس روایت کرده اند که افرادی که با حضرت موسی علیه السلام حرکت کردند حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر بوده اند و فرعون به این جمعیت زیاد می گوید: ﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ﴾؛ اینها گروه اندکی هستند» (شعراء/۵۴). کلمه «شِرْذِمَةٌ» به معنای گروهی محدود است که از اصل بزرگتری جدا شده باشد. فرعونیان در تبلیغات، خود را گروهی متحد می دانستند و میگفت: «إِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ». ما لشکری همگی نیرومند و مسلح به اسلحه کاملیم» (شعراء/۵۶). ولی بنی اسرائیل را «قَلِيلُونَ» می خواندند، نه «قليله»، یعنی آنان گروه گروه بوده و با هم متحد و منسجم نیستند و ما خیلی زود آنها را قلع و قمع می کنیم (قرائتی، بی تا: ۶/۳۲۰)

د) ایجاد شکاف بین مردم و مسئولین

یکی دیگر از اقدامات رایج دشمنان این است که با هر روش ممکن بین مردم و مسئولین شکاف و فاصله ایجاد کنند تا مردم مسئولین را تنها بگذارند و به این صورت دیگر تدبیر مسئولین هم کارساز نباشد و موجب مشکلات بیشتر در جامعه و ناامیدی هرچه بیشتر مردم شود محیط هرج و مرج و محیطی که در آن امید وجود نداشته باشد، ضد پیشرفت است. (بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن های اسلامی دانش آموزان ۱۳۸۳/۱۲/۲۴)

منافقین حتی در وسط میدان جنگ نیز سعی میکردند رزمندگان را از سپاه پیامبر صلی الله علیه و آله جدا کنند و لشکر اسلام را تضعیف کنند تا شکست بخورد. آنها گروهی را با ترساندن از

جنگ و گروهی را با نصیحت کردن و ظاهر خیرخواهانه فریب میدادند:

﴿وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾؛ و آن گاه که گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! (در صحنه جنگ) برای شما جای ماندن نیست، پس برگردید. و گروهی از آنان از پیامبر اجازه (بازگشت) می‌خواستند (و) می‌گفتند: همانا خانه‌های ما بی حفاظ است. درحالی‌که بی حفاظ نبود و آنان جز فرار (از جنگ) قصد دیگری نداشتند» (احزاب/۱۳).

۳. راهکارهای مقابله با ناامیدی

این راهکارها در سه دسته شناختی و گرایشی و رفتاری ارایه می‌شوند:

۳.۱. راهکارهای شناختی

الف) آشنایی با اسماء و صفات الهی

مهم‌ترین سرچشمه امید را باید در اسماء جمالی خداوند جست‌وجو کرد. قرآن خداوند را هم با صفت «رحمان» و هم با صفت «رحیم» یاد می‌کند. (بسم الله الرحمن الرحيم) که خود آیه‌ای از قرآن است هم مشتمل بر رحمان است هم مشتمل بر رحیم. رحمان و رحیم هر دو مشتق از «رحمت» می‌باشند با این تفاوت که «رحمت رحمانی» عبارت است از رحمت عمومی که شامل همه‌ی موجودات است. به این معنا که وجود هر موجودی برای آن موجود رحمت است، و تمام احتیاجات وجودی او و سائلی که برای ابقاء و ادامه وجود او آفریده شده است رحمت است اما «رحمت رحیمی» عبارت است از الطاف و دستگیری‌های خاصی که یک موجود مکلف در اثر حسن انجام وظیفه مستحق آن می‌گردد. لطف خاصی است که طبق قانون خاص نه قانون عام طبیعت شامل حال می‌گردد.

توجه قلبی به اسماء رحمانی خداوند شاهراه غلبه بر ناامیدی است. در منظومه فکری شیعه خداوند بر اساس اسماء خویش سر رشته تدبیر تمام هستی را در دست دارد و بندگان

تشویق می شوند که خداوند را به این اسماء بخوانند: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ (اعراف: ۱۸۰)

در این میان اسم رحمان و رحیم جایگاه ویژه‌ای دارند چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾ (انعام: ۵۴) و ﴿رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ﴾ (انعام: ۱۴۷) این ویژگی رحمانی حضرت حق هر ناامیدی را امیدوار می‌کند مخصوصاً اگر بداند که این رحمت الهی شامل همه موجودات می‌شود: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (اعراف: ۱۵۶).

اساساً در نظام اسماء الهی جایگاه رحمت مقدم بر غضب است چنان که در منابع شیعی چنین می‌خوانیم «خلقتُ رحمتی قبلَ غضبی» (عیاشی، ۱۱۴۱۰: ۳۵ / ۳۵) و در حدیث مشهور منابع اهل سنت همچین آمده است «سبقت رحمتی غضبی» (صحیح مسلم، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۰۸) این شناخت از خداوند جایی برای ناامیدی باقی نمی‌گذارد و این باور را در شخص موحد به وجود می‌آورد که باید تمام تلاشم را در مسیر هدفم انجام دهم.

کلمات و جملات زیبا و امیدبخش در دعاهای مأثور فروان است. معصومین علیهم السلام، انسان غرق در مصیبت را به سوی خدایی هدایت می‌کنند که سر منشأ تمام امیدها و رهایی از ناکامی‌ها است. «... خدایا به راستی امیدم از تو قطع نشود، ... خدایا چطور ناامید شوم، و تو آرزوی منی، یا چگونه خوار شوم، و بر تو تکیه زدم، ...» (قمی، ۱۳۶۰: ۴۵۳) «... ستایش برای خدایی که امید او را دارم و امید ندارم به دیگری، و اگر به دیگری امید بندم برنیارم امیدم را...» (همان، ص ۲۳۹) «... خدایا من دریافتم راه هر مقصودی به سوی تو در رفت و آمد است، و چشمه‌های امید به سوی تو سرشار است، و یاری جستن به فضل تو برای هر که امیدوار باشد، روا است، و درهای دعا به آستانت، برای فریادکنان باز است، و می‌دانم که تو برای امیدواران در مقام اجابتی...» (همان، ص ۳۰۶)

۳.۲. راهکارهای گرایشی

الف) توکل بر خداوند

به تعبیر رهبر انقلاب «یکی از مایه‌های مهم امید عبارت است از توکل به خدای متعال» (۱۷/۰۷/۱۳۹۸) بیانات در دیدار نخبگان و استعداددهای برتر علمی) در صدر اسلام منافقین که دل‌هاشان خالی از ایمان و توکل بود در جنگ‌ها پیامبر ﷺ را تنها می‌گذاشتند و شرکت نمی‌کردند تا اگر پیامبر ﷺ شکست خورد به آن‌ها ضرر و آسیبی نرسد: ﴿وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾. و چهره منافقان معلوم شود، (کسانی که چون) به آن‌ها گفته شد: بیایید شما (هم مثل دیگران) در راه خدا بجنگید و یا (لااقل از حریم خود) دفاع کنید، گفتند: اگر (فنون) جنگی را می‌دانستیم، حتماً از شما پیروی می‌کردیم. آن‌ها در آن روز، به کفر نزدیک‌تر بودند تا به ایمان. با دهانشان چیزی می‌گویند که در دلشان نیست و خداوند به آنچه کتمان می‌کنند، آگاه‌تر است» (آل عمران / ۱۶۷)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «هرکس در یقین ضعیف شده به اسباب و وسایل توسل پیدا می‌کند و خود را آزاد می‌سازد و از عادت‌ها و عرفیات پیروی می‌نماید. او از گفته‌های مردمان پیروی می‌کند که در آن گفته‌ها حقیقتی نیست او در اسباب و وسایل دنیایی خود را مشغول می‌سازد و به جمع‌آوری و نگهداری مال اشتغال پیدا می‌کند. در زبان خود اقرار می‌نماید که هرچه خدا بخواهد همان می‌شود و مانع و معطی خداوند است. روزی را خداوند بین مردمان تقسیم می‌کند و با جهد و کوشش روزی را می‌تواند به دست آورد ولی در عمل و قلب با آن مخالفت می‌کند خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۱ / ۱۹۹)

رهبر انقلاب با اشاره به این حدیث قدسی که «لَا قَطْعَانَ أَمَلٍ كُلِّ أَمَلٍ غَيْرِي؛ من قطعاً امید آن کسی را که به غیر من امید ببندد، قطع خواهم کرد» (طوسی، بی‌تا: ۴۳۱) تأکید

می نمایند که ما باید امیدمان به خدا باشد و در آن دوگانه امیدواری و نومییدی [از دوگانه‌های مواجهه با حوادث]، دچار نومییدی نباید بشویم «لَا تَأَيَّسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ ا» (یوسف/۸۷) [اگر] تلاش کنیم، همت کنیم، بخواهیم، به خدا توکل کنیم، از خدا بخواهیم، می شود (۲۳/۱۲/۱۳۹۷) بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری)

ب) باور و به وعده نصرت الهی

کمکهای غیبی گاهی به صورت فراهم شدن شرایط و مقدمات است و گاهی به صورت الهامات و هدایتها و روشن بینیها و گاهی به شکلهای دیگر ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ اگر خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری می کند و ثابت قدمتان می دارد. (محمد/۷)

اما باید دانست که این گونه الطاف غیبی، گزاف نیست به تعبیر رهبر انقلاب چنین نیست که انسان در خانه اش بنشیند، دست روی دست بگذارد و منتظر باشد که «دستی از غیب برون آید و کاری بکند.» خیر؛ چنین انتظاراتی بر خلاف قانون آفرینش است. خدا می گوید: ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ اگر شما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدن اسلام و جامعه اسلامی و تحقق دین خدا پیش رفتید، خدا شما را یاری می کند؛ این نقطه امید است «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؛ چه کسی از خدا راستگوتر است؟ (نساء/۱۲۲) وعده چه کسی از خدا درست تر است؟ (۱۳۹۸/۳/۱۰۳۰ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان)

آیه شریفه یاری الهی را که همان مدد غیبی است مشروط می کند به این که خدمت و عمل و مجاهدتی که در راه خیر عموم باشد صورت بگیرد یعنی هم عمل و مجاهدت و کوشش شرط است و هم اخلاص و حسن نیت. در آیه دیگری می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ آنان که در راه ما کوشش و جدیت به خرج می دهند ما راههای خود را به آنها ارائه می دهیم خداوند با نیکوکاران است.» (عنکبوت/۶۹)

در این آیه نیز هم کوشش و هم این که در راه خدا باشد ذکر شده است پس هم صرف نیروی بدنی و هم صرف نیروی روحی را شرط قرار می -دهد و در این صورت است که

هدایت و روشنی باطنی به انسان داده می‌شود. زندگی انسان اگر مقرون به حق جوئی و حقیقت‌خواهی و اخلاص و عمل و کوشش باشد مورد حمایت حقیقت قرار می‌گیرد و از راه‌هایی که بر ما مجهول است دست غیب الهی ما را تحت عنایت و رحمت خود قرار می‌دهد. (مطهری، ۱۳۸۵: ۷۱)

۳.۳. راهکار عملی

الف) رعایت تقوای الهی

در قرآن کریم می‌خوانیم که ﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾؛ موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک) برای پرهیزکاران است» (اعراف/۱۲۸) رهبر انقلاب با استناد به این آیه شریفه می‌فرماید که: «وقتی شما اهل تقوا بودید، پاکدامن بودید، رعایت امر و نهی الهی را کردید، خدا با شما است. وقتی خدا با انسان است یعنی پیروزی با انسان است، موفقیت با انسان است، شادکامی با انسان است، بهجت معنوی با انسان است. من مؤکداً شما جوانها را توصیه می‌کنم تا از این پاکی، از این صفا، از این نورانیت هر چه می‌توانید استفاده کنید؛ خدای متعال را در دل خودتان، در ذهن خودتان، در عمل خودتان همواره همراه داشته باشید. ان شاء الله پیش خواهید رفت» (۱۷/۰۷/۱۳۹۸) بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی)

ب) یادآوری نعمتهای پروردگار

یادآوری نعمتهای الهی از چنان اهمیتی برخوردار است که در آیات بسیاری از قرآن بر آن تأکید شده است. توجه به این نعمت‌ها یعنی توجه به تمام داشته‌ها و ظرفیت‌های بالفعل شده که یکی از مقدمات اصلی امیدواری است.

در سوره ضحی پس از ذکر نعمتهایی که بر پیامبرش ارزانی داشته است در پایان می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾؛ نعمتهای پروردگارت را بازگو کن» (ضحی/۱۱)

در جای دیگری از قرآن به شکل مستقیم مؤمنان را متوجه نعمتهای بیکران الهی می‌کند و مورد خطاب قرار می‌دهد ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشید، به یاد آورید.» (احزاب/۹)

این شیوه دیدن نعمت‌ها و ذکر آن‌ها می‌تواند ذهن انسان را از کمبودها منصرف کند تا به جای حوادث تلخ و ناخوش-ها به دنبال یادآوری نعمت-های الهی باشیم اگر کسی به دیدن زشتیها و تلخی‌ها عادت کند دیگر نخواهد توانست دست پر مهر الهی را در جای جای زندگی خویش ببیند. بلکه با یادآوری-های منفی و ملال‌آور به تدریج ناامید می‌شود و به رحمت و فضل الهی بدگمان می-گردد.

حضرت ابراهیم علیه السلام در گفت‌وگو با بت پرستان خدای خویش را به زیبایی معرفی کرده است و بخشی از نعمت‌های مادی و معنوی خداوند را یادآور می‌شود.

﴿الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ * وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ * وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ * وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ﴾؛ آن کسی که ما آفرید و هدایت می-کند. و کسی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌نماید و هنگامی که بیمار می‌شوم مرا شفا می‌دهد. و کسی که مرا میمیراند و سپس زنده می‌کند و کسی که امیدوارم گناهام را در روز جزاء ببخشد» (شعراء/۷۸ تا ۸۳)

نعمتهایی که حضرت ابراهیم علیه السلام در این آیات برمی شمرد، نعمتهای با ارزش و مهمی می‌باشند که به‌طور معمول در زندگی مؤمنان نیز جریان دارد. اما دیدن این نعمت که و ذکر آن-ها بسیار زیبا است و مایه امیدواری به خداوند متعال می‌باشد.

مقام معظم رهبری در بیاناتشان به این مسئله مهم اشاره دارند و می‌فرمایند: «شهیدان به ما می‌گویند شما خوف و حزن نداشته باشید. دل‌سردی و نومیدی نداشته باشید. نعمت، لطف و برکات الهی را در مقابل چشم مانگه میدارند و این آن چیزی است که ما امروز به آن

احتیاج داریم. (بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی ۱۳۹۵/۷/۵)

ج) گسترش فرهنگ انتظارمهدوی

امید در کنار انتظار که واژگانی مترادفند، همواره برای شیعه پرمفهوم بوده، و رنگ و بوی خاصی داشته و دارد. شیعه منتظر، قرن‌ها به انتظار مهدی موعود روزشماری می‌کند و هر هفته با سوز دل دعای ندبه می‌خواند. سراسر این دعای زیبا و امیدبخش، آینده‌ای روشن و نورانی را برای انسان ترسیم می‌کند که در سایه ظهور منجی عالم بشریت محقق خواهد شد. رهبر انقلاب در تبیین این مسئله می‌فرماید: «خصوصیت نیمه شعبان و جشن ولادت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) عبارتست از امید و عدالت. دو نقطه برجسته‌ای که در انتظار ما و جشن‌گیری ما برای نیمه شعبان وجود دارد، یکی مسئله امیدزایی است که نوید این ولادت و آینده‌ای که بر اثر این ولادت، دنیای بشر در انتظار آن است، خود این امیدزاست؛ و دیگر این‌که در آن جهانی که پس از آمدن آن بزرگوار شکل خواهد گرفت، برجسته‌ترین خط، خط عدالت است. شما وقتی در همه روایات و آثاری که راجع به آن بزرگوار و راجع به آن دوران آمده نگاه می‌کنید، می‌بینید اغلب تکیه بر روی این نیست که مردم در آن دوران دیندار می‌شوند - با این‌که دیندار هم می‌شوند - بلکه تکیه بر روی این است که مردم در آن وقت برخوردار از عدالت می‌شوند و قسط و عدل اقامه می‌شود؛ این مطلب در دعاها و زیارت‌های آن بزرگوار و روایات هست. (رک: صدوق، ۱۳۵۵: ۱/۲۵۸، ح ۳؛ کلینی، ۳۳۸۲: ۱/۳۳۸، ؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۲/۴۹۴) یعنی نقطه برجسته در آن آینده پر از نوید، عبارتست از عدالت بشر تشنه عدالت است». (۴/۰۶/۱۳۸۶ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت)

نتیجه

این پژوهش کوشید تا ضمن بیان تعریف و اهمیت امید و خوش بینی، موانع آن را معرفی نماید تا با شناخت آن‌ها بتوان از بروز ناامیدی به‌عنوان عامل نابودی حرکت و پویایی جامعه جلوگیری کرد، این عوامل بر اساس منشا بروز آن‌ها به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند

موانع درونی با توجه به ساحت‌های وجودی انسان در سه دسته ۱. موانع بینشی: مثل عدم شناخت اوصاف الهی و ضعف جهانبینی ۲. موانع گرایشی نظیر غفلت و فراموشی نعمت‌ها، داشتن آرزوهای واهی ۳. موانع رفتاری مانند: کسالت، اعتماد کردن به دشمنان موانع بیرونی که توسط دشمنان بر پایه جایگزین کردن یأس به جای امید بیشتر از طریق عملیات روانی صورت می‌گیرند عبارتند از: ۱. موانع فرهنگی از قبیل ضعف در نظام خانواده و نبود سیستم کارآمد آموزشی ۲. موانع اقتصادی و ۳. موانع سیاسی مانند سیاه نمایی و بحرانی جلوه دادن شرایط جامعه و ایجاد باور به لزوم وجود حکومت ظالم در کلام رهبری حکیم و فرزانه انقلاب که منطبق بر تعالیم نجات بخش قران کریم و روایات اسلامی است آشنایی با اسماء و صفات الهی و توکل به خداوند و باور به امداد و نصرت الهی از مهم‌ترین راهکارهای شناختی و گرایشی مقابله با ناامیدی هستند اما از نظر عملی رعایت تقوا و یاآوری نعمت‌های الهی و گسترش فرهنگ انتظار از مهم‌ترین راهکارهای مقابله‌ای هستند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، لسان العرب، ۱۹۸۸م، لبنان، دارالذات العربی.
۳. بهشتی، احمد، ۱۳۸۷، خانواده در قرآن، بوستان کتاب، چاپ دهم.
۴. تحریری، محمدباقر، ۱۳۹۰، شرح حدیث عنوان بصری، انتشارات سبحان.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰، غررالحکم و دررالکلم، محقق و مصحح: سید مهدی رجائی، قم، دارالکتاب اسلامیه.
۶. شریف رضی، ۱۳۸۷، نهج البلاغه، مؤسسه انتشارات دارالعلم، قم.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴، مفردات فی غریب القرآن، تهران.
۸. ستاد فرهنگی فجر انقلاب اسلامی، گام دوم انقلاب اسلامی، سراج اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۹.
۹. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمته الله علیه، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، نشر وزارت ارشاد، تهران.
۱۰. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۱۳۵۵، نشر اسلامی، تهران.
۱۱. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، احتجاج، نشر آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، الامالی، نشر دارالثقافه، قم.
۱۴. علی بن الحسین علیه السلام، ۱۳۷۶، الصحیفه سجادیه، نشر الهادی، قم.
۱۵. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۴۱۰، تفسیر عیاشی، المطبعه العلمیه، تهران.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۵، العین، قم، مؤسسه دارالهجره.
۱۷. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۲۱، محجه البیضاء، قم، مؤسسه النشر اسلامی.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۲۰، تفسیر قمی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۲۰. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ۱۳۶۰، انتشارات بوستان کتاب، قم.

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۲، اصول کافی، ج ۲، مترجم: محمدباقر کمره‌ای، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیة.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۳. مسلم، صحیح مسلم
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۶۶، اخلاق در قرآن، ج ۱ و ۳، قم، مؤسسه امام خمینی.
۲۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، امدادهای غیبی در زندگی بشر، انتشارات صدرا، قم.
۲۶. معین محمد، ۱۳۳۰، فرهنگ لغت، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۵، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. ملا صدرا، ۱۳۶۶، الحکمة المتعالیه فی اسفار اربعه، نشر بیدار، قم.